

ما از عدالت سهمی داریم  
سازمان حقوق بشر ایران

سال سوم شماره ۶۸

۹ آذر ۱۳۹۶ / ۳۰ نوامبر ۲۰۱۷

حقوق ما

خشونت علیه زنان



## ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: نعیمه دوستدار

تحریریه: معین خزائلی، کامبیز غفوری، مریم دهکردی

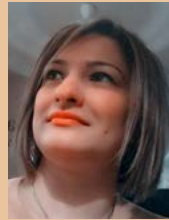
صفحه بندی: ماهور خوش قدم

تماس با مجله: [mail@iranhr.net](mailto:mail@iranhr.net)

## حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست

## خشونت علیه زنان: از خانه تا خیابان



## خشونت علیه زن در قوانین ایران

## قانونی که مرهم نیست؛ خود زخم است



## لایحه تامین امنیت زنان در مقابل خشونت؛ امنیتی که هنوز تامین نشده است



## خشونت اقتصادی نسبت به زنان، معضل فرهنگی یا قانونی؟



## حقایقی درباره خشونت علیه زنان

# خشونت علیه زنان: از خانه تا خیابان



## نعمه دوستدار

وقتی از خشونت نسبت به زنان حرف می‌زنیم، از یک واقعیت فراگیر حرف می‌زنیم که شکل‌های مختلف و گاه پیچیده‌ای دارد. خشونت خانگی یکی از شکل‌های مهم و فراگیر خشونت علیه زنان است که آمار وحشتناکی هم دارد. از هر سه زن در جهان یک نفر با خشونت‌های فیزیکی یا جنسی مواجه می‌شود. اما این تنها شکل خشونت نیست. ۲۵ نوامبر روز جهانی منع خشونت علیه زنان است، روزی برای به آگاهی‌رسانی درباره شکل‌های عجیب و پیچیده خشونت جنسیتی.

سازمان ملل متحد روز جهانی منع خشونت علیه زنان را فرصتی برای دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و موسسه‌های غیر دولتی می‌داند تا از آن برای افزایش آگاهی عمومی و آموزش استفاده کنند. از سال ۲۰۰۰ تاکنون هر سال در ۲۵ نوامبر به مساله زنان و خشونت به طور ویژه پرداخته می‌شود. خشونت به زنان هرجایی می‌تواند اتفاق بیفتد؛ در خانه، در کوچه و خیابان و در بالاترین سطوح تصمیم‌گیری در یک جامعه و در جهان.

خشونت در خانه از روشن‌ترین شکل‌های اعمال خشونت به زنان است. خشونت فیزیکی یعنی همان کتک زدن، شکل آشکار خشونت نسبت به زنان است، چه از سوی پدر، چه برادر و چه همسر یا شریک جنسی. اما خشونت رفتاری کم از خشونت فیزیکی ندارد. این‌که زن یا دختری مورد کم‌مهری و بی‌توجهی باشد، خوراک و پوشاک کافی به او نرسد، اجازه خروج از خانه و کار کردن نداشته باشد، نتواند با خانواده و فامیل خود ارتباط تلفنی و حضوری داشته باشد، یعنی به او خشونت روا داشته می‌شود.

به علاوه، اگر حق و سهم زن از منابع و درآمدهای مشترک، یا درآمد شخصی خودش کم باشد یا اصلاً سهمی نداشته باشد، اگر در تصمیم‌های مربوط به رابطه نقش مساوی نداشته باشد، این هم نوعی خشونت است. با این تعبیر این‌که زنان حق طلاق ندارند یا نیم مردان ارث می‌برند، به آنها خشونت می‌شود. بسیاری از زن‌ها حتی از درآمد شغل خود هم استفاده‌ای نمی‌کنند.

در رختخواب هم خشونت خانگی اتفاق می‌افتد، حتی بین زن و شوهرها و زوجها هم رابطه جنسی می‌تواند تبدیل به خشونت جنسیتی شود. اگر زنی تمایل به رابطه جنسی نداشته باشد و به آن مجبور شود، اگر در رابطه جنسی به کارهایی مجبور شود که نمی‌خواهد، به او خشونت شده است. در بسیاری از فرهنگ‌ها زنان مجبورند در رابطه جنسی کاملاً مطیع باشند و به هر شرایطی تن بدهند. اما فرهنگ‌های مدرن‌تر، زور و اجبار در رابطه جنسی را تجاوز تعریف می‌کنند. با این حساب، «تمکین» نوعی خشونت است.

بسیاری از کودکان دختر در محیط خانه مورد آزار جنسی قرار می‌گیرند که خشونت آشکاری به آنهاست.

مجبور کردن کودکان دختر به ازدواج یکی دیگر از شیوه‌های رایج خشونت به زنان است که از خانواده‌ها شروع می‌شود.

به جز این، فضای خیابان در نقاط بسیاری از دنیا برای زنان

امن نیست. زن‌ها به محض خروج از خانه با انواع آزارهای جنسی و جنسیتی روبه‌رو می‌شوند. متلک، تماس بدنی ناخواسته و پیشنهاد برقراری رابطه جنسی همه جا آنها را تهدید می‌کند.

خشونت در سطح حاکمیت نیز اتفاق می‌افتد. تصویب قوانینی که زنان را به دلیل جنسیت‌شان از دسترسی به منابع ملی، تحصیل و آموزش، اشتغال و حقوق قضایی برابر محروم می‌کند، نمونه‌ای از خشونت سازمان‌یافته و دولتی علیه زنان است. بر این اساس تبعیض جنسیتی در تحصیل و انتخاب رشته، ممنوع کردن حضور زنان در برخی مشاغل خشونت در سطح قانون است. قوانینی که سقط جنین را محدود می‌کند، حقوق طلاق و حضانت را از زنان می‌گیرد یا آنها را وادار به باروری بیشتر می‌کند هم در همین زمره جای می‌گیرند.

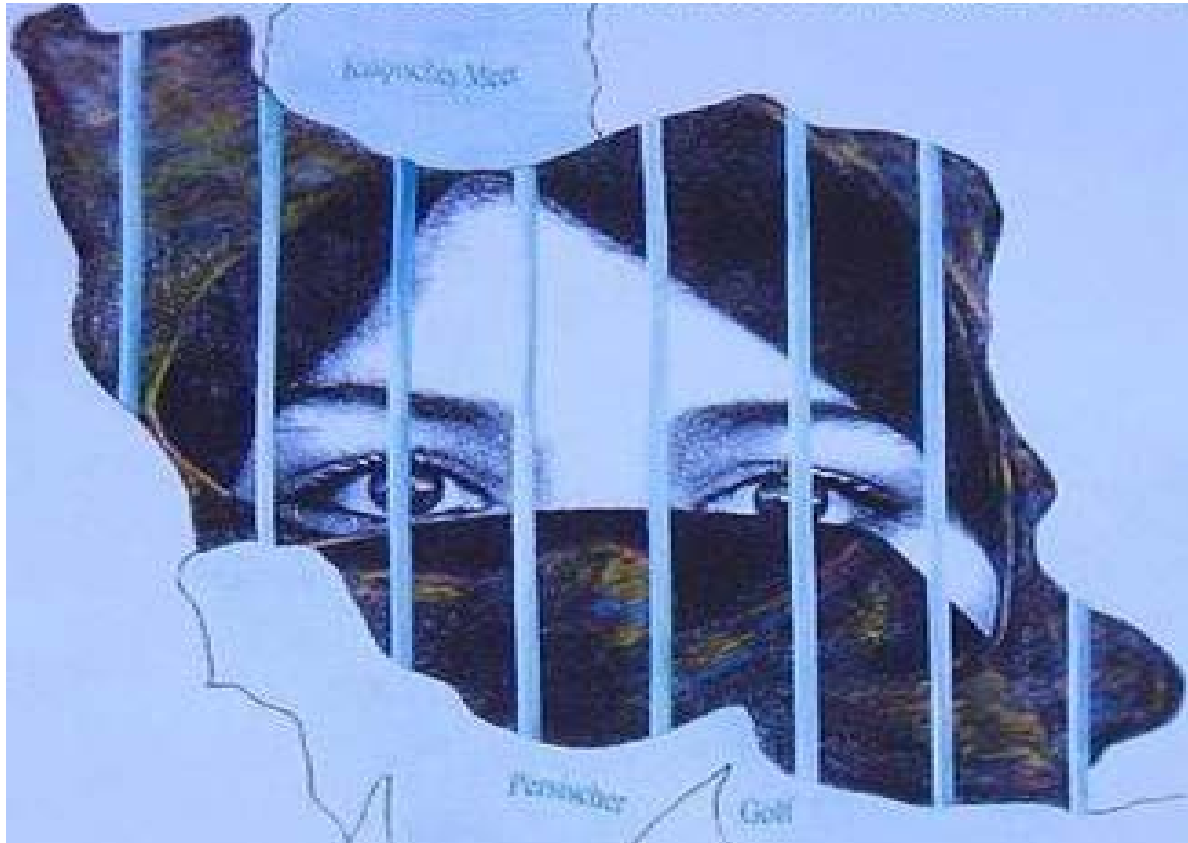
گاهی اوقات خشونت دولتی سازمان‌یافته، مفهومی سیاسی

دارد. در این نوع خشونت زنان تبدیل به سوژه‌های سیاسی می‌شوند و در زندان‌ها به دلیل جنسیت‌شان مورد خشونت جنسی مضاعف قرار می‌گیرند. تحت فشار قرار دادن زنان در جایگاه همسر و مادر فعالان سیاسی و اجتماعی نمونه دیگری از این خشونت‌هاست. در ایران مادران کشته‌شدگان دهه شصت، ۱۸ تیر و جنبش سبز از نمونه‌های این نوع خشونت‌اند. جنگ و بحران‌های بین‌المللی خشونت ویژه‌ای را به زنان تحمیل می‌کند. زنان و کودکان از خشونت فراگیر جنگ و آوارگی، آسیب فراوان می‌بینند. در چنین شرایطی احتمال تجاوز و آزار جنسی بیشتر هم می‌شود.

به مناسبت ۲۵ نوامبر روز منع خشونت علیه زنان و روزهای پس از آن که برای آگاهی‌رسانی درباره خشونت در سراسر جهان کمپین‌هایی تشکیل می‌شود، ما هم این شماره مجله حقوق ما را به موضوع خشونت علیه زنان اختصاص داده‌ایم.



# خشونت علیه زن در قوانین ایران



## دنا دادبه، حقوقدان

امروز متنی در تلگرام به دستم رسید. نوشته بود: «خشونت، بی کلام است، بی تماس بدنی‌ست، مردی است که در را که باز می‌کند، زن ناگهان مضطرب می‌شود، غمگین می‌شود و نمی‌داند چرا. در حضور مرد انگار کلافه باشد. انگار خودش نباشد. انگار بترسد که خوب نیست. که کم است. که باید لاغرتر باشد، چاق‌تر باشد، زیباتر باشد، خوشحال‌تر باشد، سنگین‌تر باشد، سبکی‌تر باشد، خانه‌دارتر باشد، عاقل‌تر باشد.»

واقعیت این است که ممکن است همه تعاریفی که این روزها کنشگران و فعالان اجتماعی در مورد خشونت علیه زنان ارائه می‌دهند به لحاظ اجتماعی یا روانشناسی درست باشد، ولی لزوماً یک تعریف حقوقی نیست.

با توجه به اینکه بر طبق قوانین ایران تعریف حقوقی مشخصی برای خشونت علیه زنان در دست نداریم، ناچار هستیم تعریف حقوقی کشورهای دیگر را به عنوان نمونه ذکر کنیم.

**وزارت** دادگستری آمریکا برای رفتار خشونت‌آمیز دو عنصر را در نظر گرفته است: رفتاری که از حیث جسمی یا روحی (الف) آسیب‌رسان و اجباری باشد (ب) به قصد کنترل و تسلط بر قربانی باشد. با این حساب به عنوان مثال نمی‌توان رفتاری را که یک بار صورت گرفته، به لحاظ حقوقی خشونت نامید. دپارتمان حقوقی دولت انگلستان نیز دو عنصر (الف) اجبار و (ب) قصد کنترل و تسلط را عناصر اصلی خشونت عنوان کرده است. با این حساب نمی‌توان رفتاری را که آسیب‌رسان است و به قصد کنترل انجام شده ولی به همراه رضایت فرد قربانی است، خشونت نامید.

حال که با مفهوم حقوقی خشونت علیه زنان آشنا شدیم، می‌خواهیم بدانیم چند نوع خشونت علیه زنان وجود دارد و آیا قانونگذار ایران انواع خشونت علیه زنان را پوشش داده است یا نه.

سیستم قضایی کشورهای اروپایی، آمریکا و کانادا، خشونت علیه زنان را به دو بخش اصلی خشونت اجتماعی و خانگی تقسیم کرده‌اند. بخش خشونت خانگی نیز به پنج دسته تقسیم می‌شود: خشونت جنسی، روانی، جسمی، عاطفی و اقتصادی.

در مورد کشور ایران اما موضوع لایحه تامین امنیت زنان علیه خشونت، این روزها بسیار داغ است. شهیندخت ملاوردی، دستیار ویژه رئیس‌جمهور در حقوق شهروندی در روز دوم آذر ماه سال جاری **گفت:** «لایحه تامین امنیت زنان علیه خشونت نیازمند تأیید قوه قضائیه است.»

این در حالی است که ذبیح‌الله خداییان معاون حقوقی قوه قضائیه به گزارش خبرگزاری مهر، در **نشست** سه روزه بررسی لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت در روز ۱۳ آبان سال

جاری گفته بود: «آسیب اساسی که این لایحه با آن روبرو است، جرم‌انگاری وسیع آن است، به گونه‌ای که برخی مواد آن به طور متوسط بیش از ۲۰ جرم جدید را جرم‌انگاری کرده است. از آنجا که اصطلاحات و واژه‌ها در مواد مختلف این لایحه چند پهلوی، قابل تفسیر و پردامنه هستند؛ لذا مصادیق آن بسیار زیاد است؛ به عنوان مثال از دل اصطلاح «خشونت روانی» می‌توان بیش از ده‌ها، عنوان مجرمانه استخراج کرد.» نکته جال توجه اما اینجاست که این لایحه را در هیچ منبع اینترنتی و یا غیر اینترنتی نمی‌توان یافت. لایحه داخل قوه قضائیه ماندگار شده است و سرنوشت آن مجهول است.

## خشونت جسمی در اجتماع

### ربودن زنان و دختران

ماده ۶۲۱ و ۶۳۱ قانون مجازات اسلامی و ماده واحده قانون تشدید مجازات رانندگان متخلف مصوب ۱۳۳۵ عمل آدم ربایی را جرم‌انگاری کرده است و ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی تأکید می‌کند هرکس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگر به علف یا تهدید یا حیل یا به هر

نحو دیگر شخصا» یا توسط دیگری شخصی را برباید یا مخفی کند به حبس از پنج سال تا پانزده سال محکوم خواهد شد.

## قاچاق زنان

تبصره یک قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳ مقرر کرده است: «چنانچه فرد قاچاق شده کمتر از ۱۸ سال تمام داشته باشد و عمل ارتكابی از مصادیق محاربه و افساد فی الارض نباشد، مرتکب به حداکثر مجازات مقرر در این ماده محکوم می‌شود.»

تبصره دوم همین ماده می‌گوید: «کسی که شروع به ارتکاب جرائم موضوع این قانون نماید لیکن نتیجه منظور بدون اراده وی محقق نگردد، به شش ماه تا دو سال حبس محکوم می‌گردد.»

## خشونت روانی در اجتماع

### مزاحمت خیابانی

ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی مقرر کرده است: «هر کس در اماکن عمومی یا معابر متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود

یا با الفاظ و حرکات مخالف شوون و حیثیت به آنان توهین نماید، به حبس از دو تا شش ماه و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.»

## مزاحمت تلفنی

ماده ۶۴۱ قانون مجازات اسلامی نیز در مورد مزاحمت تلفنی عنوان کرده فرد مزاحم علاوه بر اجرای مقررات خاص شرکت مخابرات، مرتکب به حبس از یک تا شش ماه محکوم خواهد شد.

## تهدید به قتل و تهدید شرافت

ماده ۶۶۹ همین قانون نیز می‌گوید: «هر گاه کسی دیگری را به هر نحو تهدید به قتل یا ضررهای نفسی، شرفی، مالی و یا به افشاء سری نسبت به خود یا بستگان او نماید، اعم از اینکه به این واسطه تقاضای وجه یا مال یا تقاضای انجام امر یا ترک فعلی را نموده یا ننموده باشد به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه یا زندان از دوماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

### استفاده ابزاری از زن در مطبوعات

قانون مطبوعات مقرر کرده است که در صورت استفاده ابزاری از افراد در تصاویر و محتوی، تحقیر و توهین به جنس زن، متخلف مستوجب مجازات‌های ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی خواهد بود و در صورت اصرار، مستوجب تشدید مجازات و لغو پروانه خواهد بود.

### هتک حرمت زنان

ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی برای هتک حرمت زنان چه در مکان عمومی و چه در فضای خانه اینگونه عنوان کرده است که توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک چنانچه موجب حد قذف نباشد به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی خواهد بود.

### جرایم رایانه‌ای علیه زنان

ماده ۱۴ قانون جرایم رایانه‌ای فردی را که به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی، محتویات مستهجن را منتشر، توزیع یا معامله کند یا به قصد تجارت یا افساد، تولید، ذخیره یا نگهداری کند، به حبس از ۹۱ روز تا ۲ سال یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

### خشونت خانگی

#### خشونت جسمی و روحی در خانه

قانون مدنی می‌گوید همین که نکاح به طور صحت واقع شد روابط زوجیت بین طرفین ایجاد می‌شود و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل یکدیگر برقرار می‌شود.

از ماده ۱۱۱۵ همین قانون اما می‌توانیم در پرونده‌های خشونت جسمی، اقتصادی و روانی و عاطفی استفاده کنیم. طبق این ماده اگر بودن زن با شوهر در یک منزل متضمن خوف ضرر بدنی، مالی یا

شرافتی برای زن باشد، زن می‌تواند مسکن جداگانه برای خود اختیار کند و در صورتی که این موضوع در دادگاه خانواده ثابت شود، قاضی پرونده حکم بازگشت به منزل شوهر نخواهد داد و مادام که زن در بازگشتن به منزل مشترک با مشکل روبروست، نفقه زن برعهده شوهر خواهد بود.

امکان شرط ضمن عقد یا خارج از عقد( راهکاری برای پیشگیری از خشونت علیه زن)

یکی از راهکارهای پیشگیری از بروز خشونت خانگی علیه زن امکان ایجاد شرط ضمن یا خارج از عقد ازدواج است. زن می‌تواند هر شرطی که مخالف با مقتضای عقد مزبور نباشد در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگر ایجاد کند مانند این که شرط

شود هر گاه شوهر، در طول زندگی مشترک ازدواج مجدد کند یا برای مدت معینی غایب شود یا ترک انفاق کند یا علیه حیات زن سوء قصد کند یا سوء رفتاری کند که زندگی مشترک آن‌ها با یکدیگر غیر قابل تحمل شود زن وکیل و وکیل در توکیل باشد که پس از اثبات تحقق شرط در دادگاه و صدور حکم نهایی، طلاق بگیرد.

### خشونت اقتصادی

قوانین ایران برای خشونت اقتصادی علیه زنان دو رویکرد حقوقی و کیفری دارد.

### رویکرد حقوقی:

قانون مدنی می‌گوید در صورت استنکاف یا ناتوانی شوهر از دادن نفقه و عدم امکان اجراء حکم دادگاه والزام او به دادن نفقه، زن می‌تواند برای طلاق به قاضی رجوع کند و قاضی شوهر او را مجبور به طلاق می‌کند. قانون مدنی همین شرایط را در صورت سوء معاشرت و یا بیماری سخت شوهر به صورتی که ادامه زندگی با او ممکن نباشد نیز در نظر گرفته است.

### رویکرد کیفری

ماده ۵۳ قانون حمایت از خانواده مقرر کرده است: «هرکس با داشتن استطاعت مالی، نفقه زن خود را در صورت تمکین او

ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب النفقه امتناع کند، به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود. تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت گذشت او از شکایت در هر زمان تعقیب جزائی یا اجرای مجازات موقوف می‌شود.

شایان ذکر است قوانین ایران در خصوص خشونت علیه زنان بسیار ناقص است چرا که هیچ اشاره‌ای به خشونت جسمی، جنسی، اقتصادی و عاطفی و روانی زنان که توسط پدر، برادر، همکار و کارفرما، خشونت علیه زنان و دختران معلول، خشونت علیه زنان سالمند نکرده است حال این که همه این موارد بخش مهمی از قوانین کشورهای پیشرفته را به خود اختصاص داده است.





مریم دهکردی

قوانین مدنی، خانواده، جرم و جزا در ایران منشعب از فقه اسلامی است. این امر ریشه تبعیض‌های گسترده علیه زنان در قوانین جاری ایران است چرا که در شریعت اسلام حقوق زن و مرد برابر نبوده و طبقاً قوانین برگرفته از آن نیز همین نقص را دارا خواهند بود. تبعیض‌های اعمال شده از سوی قانون گاه خشونت مضاعفی را بر زنان تحمیل می‌کنند و موجب می‌شوند آنها بیش از آنچه که باید تحت آزار و اذیت قرار بگیرند. در نبود قوانین حمایتی از انسان خشونت دیده و اعمال قوانین خشونت آمیز روح و روان بسیاری از زنان ایران کاهیده شده و جسم رنجورشان نیز روز به روز بیشتر از میان می‌رود. این در حالی است که برخی فقها و حقوقدانان بر این باورند که قوانین برگرفته از فقه نه تنها تبعیض آمیز و خشونت بار نیستند بلکه حرمت و ارزش زن را افزون می‌کنند.

در روزهای ۲۵ نوامبر تا ۱۰ سپتامبر که روزهای حذف خشونت علیه زنان نامگذاری شده اند به بازخوانی برخی از این قوانین پرداختم که در آنها می‌شود به وضوح مصادیق بارز خشونت علیه زنان را دید. در این مسیر نقطه نظرات «ترگس توسلیان» حقوقدان ساکن لندن، «نازنین سروندانی» کارشناس ارشد حقوق جزا ساکن تهران و «ناهید امیرناصری» مشاور خانواده در یکی از مراکز مشاوره خصوصی تهران را جویا شدم.

#### اول: ریاست مرد در خانواده

ماده ۱۱۰۵ قانون به صراحت بیان می‌کند که ریاست از خصوصیت‌های مرد در خانواده است. استفاده از واژه ریاست برای امور خانوادگی اطاعت و فرمانبرداری محض را از سوی دیگر افراد به ذهن متبادر می‌کند. مثلاً پیرو همین قانون مردان زیادی مانع خروج همسرانشان از کشور می‌شوند. حتی قهرمانان ورزشی، شاغلین و فعالان اجتماعی گاه در شرایطی قرار گرفته‌اند که همسرانشان با ممنوع الخروج کردن آنها، موجب بازماندن‌شان از حضور در عرصه‌های مختلف و مهم زندگی شده‌اند. در اغلب موارد از این قوانین برای اعمال فشار بر زن و آزار او استفاده می‌شود.

# قانونی که مرهم نیست؛ خود زخم است

## بازخوانی قوانین ایران و خشونت مضاعفی که با اعمال‌شان به زنان تحمیل می‌شود



مطابق با قوانین ایران زنان مجرد زیر ۱۸ سال به اجازه پدر یا پدربزرگ پدری و زنان متاهل به اجازه همسر برای خروج از کشور نیاز دارند. «ترگس توسلیان» در توضیح این قانون می‌گوید: «خروج از کشور برای زنان ایرانی معضل بزرگی است. اجازه پدر، جد پدری یا همسر باید به صورت کتبی و در اداره گذرنامه ثبت شود اما این به هیچ وجه تضمین کننده سفر زن به خارج از کشور نخواهد بود، چرا که مرد – خواه همسر باشد خواه ولی – هر زمان که بخواهد می‌تواند این اجازه را فسخ کرده و مانع خروج زن شود. کافی است یک نامه به اداره گذرنامه ارسال کند و طی آن زن را ممنوع الخروج اعلام کند. در آن صورت فارغ از اینکه زن چه موقعیتی دارد، زنی معمولی است یا یک سیاستمدار، یک استاد دانشگاه یا یک قهرمان مدال آور در رشته‌ای ورزشی، از سفر به خارج از کشور منع خواهد شد.»

به گفته این حقوقدان، زنان متاهل به هنگام ثبت ازدواجشان می‌توانند شرط سفر به خارج از کشور را جزو شروط ضمن عقد خود ثبت کنند. در اینصورت دیگر نیازی به صدور اجازه از سوی همسر نخواهند داشت.

نصایح فقه اسلامی که قوانین مدنی از آنها گرفته شده است خروج زن از منزل را هم منوط به اجازه شوهر می‌دانند. به همین دلیل هر نوع خروج زن از منزل و حضور وی در اجتماع به نوعی با صدور اجازه از سوی مردان مرتبط می‌شود. حضور در محل کار، خروج از کشور و مسائلی از این دست. علاوه بر آن چون مطابق قوانین ولی فرزندان پدر یا جد پدری است همراه بردن فرزند زیر ۱۸ سال به خارج از کشور نیز در اختیار زن نبوده و مادر هیچ حقی در این مورد ندارد. نکته عجیب اینجاست که حتی اقلیت‌های مذهبی ساکن ایران هم ملزم به رعایت این قوانین خواهند بود.

یک مورد دیگر که تحت همین قانون می‌شود به آن پرداخت همسرکشی و فرزندکشی قانونی است. مطابق قانون اگر مردی همسرش را در حال عمل جنسی با فردی ببیند این حق را دارد که هر دوی آنها را بکشد. علاوه بر آن در مورد فرزندان خود نیز این حق را دارد.

نازنین سروندانی، کارشناس ارشد جرم و جزا می‌گوید: «وقتی روی پایان نامه‌ام کار می‌کردم به بیشمار پرونده در استان‌های کرمانشاه، ایلام و لرستان برخوردم که در آنها، مردانی با ظن ارتباط زن یا دختر خود با فرد دیگری – و نه حتی دیدن آنها در حال ارتکاب عمل جنسی – اقدام به قتل او کرده و به زندان افتاده بودند اما پس از مدتی از اتهام تبرئه شده و یا در صورت محکومیت با پرداخت دیه که توسط اعضای فامیل‌شان تهیه شده بود از مجازات رهایی یافته و آزاد شده

بودند. در یک نمونه خیلی روشنش به خاطر دارم مردی را که تنها با شنیدن اینکه همسرش با مرد دیگری در خانه‌ای در یکی از محلات شهر است به آنجا رفته بود. همسرش و مرد غریبه را با سیزده ضربه چاقو کشته بود و بعد با یک متکا بچه شیرخواره‌شان را خفه کرده بود، دو ساعت بعد هم خودش را با افتخار به کلانتری محل معرفی کرد. وقتی به همراه استاد راهنمایم برای گفتگو با او به بازداشتگاه رفته بودم گفت: حق قانونی من بود. از ناموسم دفاع کردم. دختری هم که او زاییده بود فردا می‌خواست مثل خودش بشود. قانون گفته در این مورد قاضی و شاک‌ی و مامور اجرا خود منم. از سرنوشت مرد بی‌خبرم ولی احتمال می‌دهم او هم مثل باقی آن دیگران از اتهام تبرئه شده باشد.»

این در حالی است که اگر برعکس این رویداد رخ بدهد یعنی زنی همسرش را در حال ارتکاب عمل جنسی ببیند و او را بکشد در صورتی که نتواند از اولیای دم رضایت بگیرد قصاص خواهد شد. البته که بحث بر سر این نیست که چرا مرد این حق را دارد و زن ندارد. بحث اینجا بر سر تبعیض و اعمال قوانین تبعیض آمیز و مروج خشونت است.

#### دوم: تمکین و زن ناشزه

در قوانین خانواده عبارت «تمکین» به معنای انجام وظایف زناشویی موجب تحمیل نوعی خشونت و اجبار بر زن می‌شود. مثلاً در قانون ۱۱۰۸ مدنی قید شده است «به زنانی که از وظایف زناشویی امتناع کنند نفقه تعلق نخواهد گرفت». همین جمله موجب می‌شود مردان بیشماری از این حربه به عنوان یک اهرم فشار علیه زنان استفاده کرده آنها را وا بدارند تا علی‌رغم تمایل خود و تحت فشار، تن به خواسته‌های نامعقول آنان بدهند. این خواسته‌ها می‌تواند طیف گسترده‌ای از تقاضاهای جنسی تا انجام امور پیش پا افتاده منزل را شامل شود.

روایت‌های زیادی می‌شود شنید از زنانی که هم به دلیل تمکین و هم در صورت عدم تمکین تحت خشونت‌های جسمی و فیزیکی، ضرب و شتم و تجاوزهای روحی و جسمی از سوی مردان قرار گرفته‌اند.

نازنین سروندانی در توضیح این قانون و اصلاح فقهی می‌گوید: «تمکین در لغت به معنای «تن در دادن» است اما در فقه و حقوق دو معنا دارد. تمکین به معنای عام، آن است که زن وظایف خود را نسبت به همسر انجام دهد و از او در حدود قانون و عرف اطاعت نماید و ریاست شوهر را در خانواده پذیرا باشد. بنابراین اگر مردی از همسرش توقعات نامشروع یا نامتعارفی داشته باشد، زن مکلف به اطاعت از او نیست. به عنوان مثال

اگر مرد از همسرش بخواهد که تمام اموالش را به نام او بزند و زن رضایت کامل به این کار نداشته باشد، این توقع متعارف تلقی نمی‌شود. یا در صورتی که از همسرش بخواهد مالی را بدزدد و زن اطاعت نکند مشمول عدم تمکین نخواهد بود. نوع دوم تمکین خاص است. منظور از این نوع تمکین رابطه‌ی خاص زوجیت و روابط زناشویی است. آنچه در عرف از تمکین فهمیده می‌شود، بیشتر در قالب این نوع تمکین است. البته در مواردی که خواسته مرد برخلاف شرع و قانون باشد زن لزومی به اطاعت از وی ندارد و در مورد تمکین خاص در شرع اسلام و قانون، وظیفه زن تامین خواسته‌های مشروع جنسی می‌باشد و به موجب آن، زن می‌تواند در مورد خواسته‌های جنسی بر گرفته از انحرافات جنسی مرد عدم تمکین را در پی بگیرد. اما حتی با این تعاریف هم تمکین برای زن به منزله «پذیرش ولایت شوهر» بر اوست و بنابر آن کلیه رفتارهای وی همچون فرد نابالغ باید تحت نظارت شوهر باشد اما اگر به قانون استناد کنیم با توجه به صراحت قانون مدنی در مورد عسر و حرج و نیز توجه فقه به تمکین شوهر (در دایره حسن رفتار با زن) می‌توان بسیاری از رفتارهای عادی و معمولی همچون ( سرزدن زن به والدین، انجام خرید، رفتن به کلاس و همایش و تصرف در مال خویش و ...) را تا آنجا که مخالف



عرف و شرع نباشد، از حوزه اجازه شوهر خارج نمود. منتها این موارد اغلب به دلیل غلبه عرف بر علم در جوامع سنتی مغفول می‌ماند.»

#### سوم: ممانعت از استقلال زن

«شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند».

این متن صریح ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی در ارتباط با اشتغال زنان است. علاوه بر تبعیض آمیز بودن این قانون ابهامات زیادی در این‌باره وجود دارد. چه تعریف دقیقی برای تشخیص مصالح خانوادگی وجود دارد؟ مصالح خانواده می‌تواند از رسیدگی به فرزندان و امور منزل تا ارتباطاتی را که منجر به پیشرفت و ارتقا زن می‌شوند، در بر بگیرد. به عبارت دیگر مردان هر لحظه و تحت هر شرایطی که از استقلال اقتصادی همسرانشان احساس نارضایتی کنند با استناد به همین ماده قانونی می‌توانند آنها را از فعالیت‌های اجتماعی بازدارند و متأسفانه قانون هم آنها را حمایت خواهد کرد.

مواردی هم وجود دارد که مرد با عناوینی تحت عنوان: «این شغل با ارزش نیست» یا «ما که نیاز مالی نداریم، من خودم از پشش بر می‌آیم و نیازی نیست تو خودت را به زحمت

بیندازی» زن را از ادامه فعالیت اجتماعی منع کرده و استقلال مالی او را سلب می‌کند.

«ناهدید امیر ناصری»، مشاور امور خانواده از تجربه مشاوره‌اش در این‌باره می‌گوید: «یک روز مردی به مرکز مشاوره آمد. جوان بود. حدوداً بیست و هشت ساله. تقاضای مشاوره حضوری داشت و همکاران او را به اتاق من راهنمایی کردند. مشکل را که پرسیدم کمی مکث کرد و گفت: «من عمده فروشی لوازم الکترونیک دارم. وضع مالی‌مان خوب است. همسرم در یکی از شعب پست بانک کارمند است و دو شیفت سر کار می‌رود. حقوقش هم خیلی ناچیز است. از او خواسته‌ام حالا که نیاز نداریم نرود سر کار و خانه بماند. اما نمی‌پذیرد.» دلیل نپذیرفتن همسرش را جویا شدم. خیلی عادی گفت: «قدر محبت من را نمی‌داند خانم. من می‌خواهم او راحت باشد و به خانه و زندگی‌اش برسد. حاضرم چند برابر حقوقی که می‌گیرد را به ماهیانه به حسابش بریزم جدا از خرج منزل. ولی بند کرده به اینکه تو می‌خواهی من را خانه نشین کنی. من دوست دارم دستم توی جیب خودم باشد و این مزخرفات» برایش شرح دادم که تمایل به حضور در اجتماع لزوماً به نیاز مالی آدمها وابسته نیست. همسرتان دلش می‌خواهد در اجتماع حضور داشته باشد و فعالیت کند. او با این شغل از خودش احساس رضایت دارد و شما با مانع تراشی این احساس را خدشه دار می‌کنید. بخصوص که خودتان هم می‌گویید در اداره امور منزل مشکلی ندارد و محیط کارش هم ناسالم نیست. با پوزخند از جایش بلند شد و گفت: «شما مشاورها به همه همین‌طوری کمک می‌کنید؟ از اولش باید می‌رفتم با یک مشاور مرد حرف می‌زدم. فکر می‌کردم مشاوره‌تان از رانندگی‌تان بهتر باشد.» امیرناصری اضافه می‌کند: «برای مراجع من نه تنها مفهوم خشونت پنهان روشن نبود بلکه نگاه سکسیستی اش به زنان و تحقیر کردن آنها بخشی از زندگی روزمره بود. تازه این یکی از آن دسته تحصیلکرده‌ها بود که به زعم خودش از سر عشق و محبت به همسرش چنین پیشنهادی به او داده بود.»

#### چهارم: چند همسری

ایران یکی از کشورهایی است که چند همسری و ازدواج موقت در قوانین آن به رسمیت شناخته می‌شود. اگرچه برای ازدواج رسمی شرط رضایت همسر در نظر گرفته شده است اما این خود خشونت مضاعفی بر روح و روان زنان وارد می‌کند. قانون در زمینه ازدواج موقت به مردان اجازه تمام و کمال داده است. نکته مهم اما اینجاست که اثرگذاری ازدواج رسمی یا ازدواج موقت بر روح یک زن و خشونت‌ی که به واسطه این اتفاق به زن تحمیل می‌شود هیچ تفاوتی با هم ندارند. در هردو، زن به

یک میزان آسیب خواهد دید.

ناهید امیر ناصری در این باره می‌گوید: «در نفس قضیه و از دیدگاه روانشناسی برای زن فرقی میان ازدواج موقت یا دائم وجود ندارد. زن به همان اندازه که از ازدواج دائم همسرش آسیب می‌بیند به همان اندازه از ازدواج موقت آسیب خواهد دید. حتی اگر خودش هم رضایت داده باشد می‌توان گفت این آسیب چندین برابر است. به خاطر دارم دختر جوانی را که مراجع بود. سه سال زندگی مشترکش با مردی که بعد از تلاش زیاد و ماجراهای بسیار موفق شده بود با او ازدواج کند می‌گذشت و درست وقتی در ماه هفتم بارداری بود متوجه شده بود همسرش پیش از ازدواج با او، با زن دیگری که چندین سال از او بزرگتر بوده رابطه داشته و پس از ازدواجش نیز رابطه را حفظ کرده است. گویا پس از مدتی زن را به عقد موقت خود درآورده بود و این ارتباط پنهانی در همه روزهایی که نوجوان جوان گمان می‌کرد عاشقانه‌ترین روزهایش را می‌گذراند ادامه داشت. موقعی که به دفترم آمد چهل و پنج روز از زایمانش می‌گذشت، وضعیت روحی اش نامناسب بود و تصمیم قطعی برای جدایی داشت. آمده بود مشورت کند و بداند اگر در ازای همه حقوقی که دارد تنها حضانت فرزندش را طلب کند و باقی را ببخشد و جدا شود می‌تواند از پس مادر خوب بودن بر بیاید یا نه. من او را به وکیل معتمد سازمان معرفی کردم و ماههای متمادی برای تراپی شوک ناشی از خیانت و جدایی تحت درمان بود. خوشبختانه زن مستقل و توانمندی بود و حالا می‌دانم که با دخترش روزگار خوبی دارد اما حال روحی‌اش از ضربه ازدواج دوم همسرش خیلی نابسامان بود.»

### پنجم: طلاق و شرط هایش

از سوی دیگر در مورد جدایی و طلاق هم «مرد هر وقت بخواهد می‌تواند زن خود را طلاق بدهد» اما زن اگر متقاضی جدایی باشد چه بسا روزها و ماه‌ها باید راهروهای دادگاه و دادسرا را برود و بیاید. اثبات دلایل مورد ارائه برای طلاق از سوی زنان اغلب آنقدر دشوار است که بخش زیادی از آنها در میانه راه ترجیح می‌دهند به دامان زندگی پر از خشونت و رابطه ناسالم خود با همسرشان بازگردند. برخی به خاطر فرزندان‌شان تن به ادامه رابطه می‌دهند و برخی نیز به دلایل عرفی همچون شرایط نامناسبی که برای زنان مطلقه در اجتماع از سوی دیگران پیش خواهد آمد دست از تلاش برای جدایی می‌کشند. نرگس توسلیان در این‌باره می‌گوید: «به دلیل گرفته شدن قانون از فقه، مرد صرفا با تعهد دادن مهریه در واقع او را به تملک خود در می‌آورد. به همین دلیل هم

هر وقت بخواهد و به هر دلیلی می‌تواند این مالکیت را فسخ کرده و زن را طلاق بدهد. این در حالی است که زن هرگز نمی‌تواند چنین کند مگر اینکه در هنگام عقد، حق طلاق را بگیرد یا شروط خاصی را در عقدنامه قید کند که در صورت وقوع آنها بتواند طلاق بگیرد. البته شرایطی هم در قانون قید شده که اگر زن قادر به اثبات آنها باشد حکم طلاق مصادق خواست او صادر می‌شود مثل غیبت بی دلیل مرد به مدت شش ماه یا بیشتر در زندگی زناشویی، یا اعتیاد مرد به مواد مخدر و مشروبات الکلی، محکومیت طولانی مدت مرد به حبس، داشتن بیماری‌های سخت و مسری و مواردی از این دست. اما در مواردی غیر از این درخواست زنان برای طلاق اغلب به نتیجه نمی‌رسد.»

به گفته این حقوقدان، در حال حاضر آموزش زنان و آشنا کردن آنها با شروط ضمن عقد و چگونگی تنظیم و تعریف آنها در عقدنامه موثرترین راه حل برای مبارزه با اجرای این قانون و بازتولید خشونت روانی متأثر از آن است. نرگس به همراه برخی دوستان دیگرش ویدئوهایی را تهیه و تولید می‌کنند تحت عنوان «قانون به زبان ساده». آنها تلاش می‌کنند با



انتشار این ویدئوها طیف گسترده‌ای از زنان را به حقوق خود آشنا کرده و به زبانی ساده و تا جایی که امکان دارد از خشونت متأثر از اجرای قوانین مردسالارانه بکاهند.

به گفته این حقوقدان زنان زیادی هم هستند که ترس به دل راه نمی‌دهند. با همه سختی‌ها و دشواری‌ها می‌جنگند و از رابطه ناسالم خارج می‌شوند اما این تازه ابتدای مشکلات آنها است به ویژه اگر زندگی مشترکی که به پایان رسیده فرزندی داشته باشد.

### ششم: حضانت و ولایت

حضانت فرزند، خوان بعدی است که زنان به واسطه قوانین تبعیض آمیز در آن آزار خواهند دید. در بهترین حالت اگر حضانت به زن داده شود به محض ازدواج مجدد این حق از او سلب می‌شود و فرزند باید به پدر یا جد پدری وصی آنها مثل عمو و امثالهم بازگردانده شود. مادر حتی در صورت داشتن حضانت فرزند اجازه خارج کردنش از کشور یا ازدواج مجدد را نخواهد داشت مگر آنکه ولی یا قیم که عموما پدربزرگ پدری یا فردی تعیین شده توسط او پس از فوت است، کتبا به آن

رضایت دهند.

نازنین سروندانی کارشناس حقوقی از یک تجربه عینی در این‌باره می‌گوید: «ملیحه زن جوانی بود که وقتی فرزندش سه سال داشت همسرش را از دست داد. به دلیل در قید حیات بودن پدر همسرش قیومیت و ولایت فرزند به عهده او بود اما حضانت کودک را به ملیحه سپرده بودند. چهار سال بعد از آن ماجرا ملیحه در محل کارش با مردی آشنا شد و قصد ازدواج داشت اما پدر شوهرش تهدید کرد اگر ازدواج کند پسرش را از دست خواهد داد. خانواده همسر سابقش قویا تاکید داشتند در صورت ازدواج مجدد او به هیچ وجه اجازه نمی‌دهند فرزندش زیر دست ناپدری بزرگ شود و او دو راه داشت. یا باید قید حضانت فرزندش را می‌زد و ازدواج می‌کرد و یا باید برای همیشه تنها می‌ماند تا بتواند همچنان سرپرست کودکش باشد. تلاشهای ما و ملیحه در نهایت به نتیجه نرسید و دادگاه هم تایید کرد که تنها در صورتی صلاحیت حضانت کودک همچنان در اختیار مادر خواهد ماند که او ازدواج نکند.»

می‌شود بیشمار ماده قانونی دیگر را بازخوانی کرد و از دل آنها موارد متعدد نقض حقوق زنان، تبعیض و تحقیر و خشونت را بیرون کشید. از مسائل و قوانین خانواده بگیرد تا آنچه در اجتماع اتفاق می‌افتد. به یاد بیاورید مساله اسیدپاشی‌های اصفهان را. صورت ۱۳ زن جوان در شهری که پایتخت فرهنگی ایران به حساب می‌آید به اشاره ای با اسید سوزانده شد. حکومت و قانون جاری مملکت در قبال خشونت‌ی که بر این زنان روا داشته شد چه کرد؟ تنها بسنده شد به انتشار اخباری متناقض و پراکنده. نه خبری از دستگیری و محاکمه عاملان و آمران شد نه اجازه پیگیری از سوی افکار عمومی داده شد. تجمع‌های اعتراضی و مسالمت آمیز توسط نیروهای نظامی و امنیتی به هم خورد و عده ای بازداشت و تحقیر و زندانی شدند.

همین لحظه که گزارش را جمع بندی می‌کنم، نرگس محمدی از زندان یادداشتی منتشر کرده که در آن نوشته است: «سومین شمع تولد کیانا و علی را در زندان روشن می‌کنم هرچند تصویر روشن و دقیقی از چهره نازنین‌شان ندارم. کیانا در تماسی که داشتم می‌گفت مامان نرگس تو الان چه شکلی شدی؟ می‌دانم که دیگر فرزندانم هم تصویری از من ندارند و این نمایش تصویر عریان استبداد و ظلم است.» اجرای قانون حبس برای مادران بیگناهی همچون نرگس محمدی یا نازنین زاغری اگر خشونت علیه زنان نیست پس چیست؟ قوانین مردسالارانه در ایران که زن را سنگین، صبور، فرمانبردار و بی‌عمل و منفعل می‌خواهند مرهم که نه؛ خود زخمند...

# لایحه تامین امنیت زنان در مقابل خشونت؛ امنیتی که هنوز تامین نشده است



معین خزائی

خشونت بر علیه زنان یکی از رایج ترین اشکال تبعیض بر علیه زنان و از عمده ترین مشکلات این قشر در جامعه محسوب می شود. بر اساس تعاریفی که سازمان بهداشت جهانی از مفهوم خشونت ارائه می دهد، هر رفتاری که برای آسیب رساندن به دیگران اعم از روحی و جسمی مورد استفاده قرار گیرد، خشونت محسوب می شود که دامنه آن می تواند از تحقیر و توهین زبانی و لفظی گرفته تا خشونت های جسمی مانند ضرب و جرح، خشونت های جنسی یا فشارهای اجتماعی و اقتصادی سوءاستفاده های جنسی و به طور کلی هر رفتاری باشد که زنان را به سبب جنسیت شان مورد آزار و اذیت قرار دهد.

ابعاد گسترده خشونت بر علیه زنان و نیز نقش آن بر سلامت جسمی و روانی آنان به حدی است که در قریب به اکثریت جوامع غربی و پیشرفته قوانین سخت و سختی در این زمینه از سوی حکومت ها وضع شده و برخورد سخت تری با ناقضان این قوانین صورت می گیرد. در ابعاد جهانی نیز کنوانسیون منع هرگونه تبعیض علیه زنان و نیز اعلامیه منع خشونت علیه زنان نقش تعیین کننده ای در تشویق و ترغیب کشورها بر تصویب قوانین حمایتی مخصوص در این زمینه داشته اند.

از سوی دیگر، عدم حمایت های قانونی از زنان در برابر اقسام خشونت در برخی جوامع به سبب خلاءهای قانونی موجود و نیز مقاومت بخش های سنتی تر یا مذهبی تر آن باعث شده زنان در این جوامع جدای از فرهنگ جا افتاده خشونت علیه آنان مورد بی توجهی قانونی نیز قرار گرفته و در عمل امکان هیچگونه اعتراض به آن را نداشته باشند.

ایران یکی از کشورهایی است که نه تنها به کنوانسیون منع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان نپیوسته بلکه در داخل نیز هنوز قانون منسجم و ویژه ای در این زمینه نداشته و قوانین فعلی آن نیز دچار خلاءهای فراوانی در این زمینه است.

**لایحه تامین امنیت زنان؛ شش سال بی سرانجامی**

اولین تلاش های دولتی در زمینه تدوین و تصویب یک قانون



سال جاری «طلسم» این لایحه شکسته شده و سرانجام برای تصویب به مجلس ارایه شود. او گفته بود مسائل حوزه زنان و کودکان در اولویت مسئولان کشور نیست و باید در کنار سایر اولویتهایی که در کشور تعریف می‌شود این مساله نیز مهم باشد.

با این حال مقاومت‌ها و مخالفت‌های صورت گرفته در برابر این لایحه همچنان ادامه داشته و عمدتاً معطوف به مسائل حقوقی و مذهبی بوده و ازجانب دستگاه قضایی ایران و نهادهای مذهبی نمایندگی می‌شود.

در همین زمینه پیش‌تر گفته شده بود که از آنجایی که قانون اساسی جمهوری اسلامی وظیفه تدوین و تهیه لوایح قضایی را بر عهده قوه قضاییه ایران گذارده است، شورای نگهبان قانون اساسی ضمن ابراز مخالفت با ارایه این لایحه بدون موافقت دستگاه قضایی از دولت خواسته بود تعیین تکلیف و سرنوشت آن را به این قوه بسپارد. از سوی دیگر گزارشات منتشر شده در این باره نشان می‌دهند که دستگاه قضایی ایران یکی از مخالفان اصلی این لایحه بوده و تاکنون حاضر به تایید آن نشده است.

ذبیح الله خداییان، معاون حقوقی قوه قضاییه، شهریور ماه امسال در همین زمینه ایراد اصلی این لایحه را حقوقی \_ قضایی دانسته و از جرم انگاری وسیع آن به شدت انتقاد کرده بود. خداییان گفته بود ۷۰ ماده از ۱۰۰ ماده لایحه مبارزه با خشونت علیه زنان وصف کیفری داشته و حتی برای کوچک‌ترین تنش میان زوجین حبس تعیین کرده است.

در عین حال، یه گفته معاون حقوقی دستگاه قضایی در ایران این امر سبب نخواهد شد که این نهاد تغییرات فراوانی در لایحه ایجاد کرده و به طور قطع متن ارسالی دولت به عنوان مدل مینا و پایه قرار خواهد داشت.

همچنین گفته شده پیش‌بینی بیش از ۴۰ مورد مجازات حبس در فصل سوم این لایحه مخالف سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی در امور حقوق و قضایی است که بر موضوع حبس زدایی و ضرورت به کارگیری مجازات‌های جایگزین حبس تاکید دارد. چرا که مقرر کردن این میزان از مجازات با توجه به گستردگی ابعاد خشونت علیه زنان در ایران منجر به افزایش فراوان تعداد زندانیان دارد.

معاون حقوقی قوه قضاییه، ماه گذشته نیز با تکرار همین ادعا در نشست سه روزه بررسی لایحه تامین امنیت زنان در برابر خشونت گفته بود از آنجا که جرم انگاری منجر به محدود شدن قسمتی از آزادی افراد می‌شود و بی‌جهت نمی‌توان بر افراد تکلیف تحمیل کرد؛ لذا این مهم مستلزم توجیه و دلایل محکم، متقن و اساسی است. یکی از توجیه‌ها برای جرم‌انگاری



سرنوشت این قانون روشن نشده و به نظر نمی‌رسد که در آینده ای نزدیک نیز این اتفاق رخ دهد.

### لایحه تامین امنیت زنان؛ ایراد کار کجاست؟

علی رغم تلاش‌های صورت گرفته در تصویب لایحه تامین امنیت زنان در دولت حسن روحانی، به نظر می‌رسد که هنوز بخش بزرگی از نهادهای تاثیر گذار دولتی و غیر دولتی در ایران در برابر این قانون مقاومت کرده و به اجرایی شدن آن تن نمی‌دهند. زهرا ساعی، سخنگوی کمیسیون اجتماعی مجلس در همین زمینه نزدیک به یک ماه پیش با انتقاد شدید از به نتیجه نرسیدن این قانون گفته بود امیدوار است تا پایان

منسجم و ویژه در حمایت از زنان علیه خشونت سال ۱۳۹۰ و در سال‌های پایانی دولت محمود احمدی نژاد آغاز شد. پیش از آن البته در دولت دوم محمد خاتمی پژوهشی جامع در زمینه انواع خشونت علیه زنان در کشور در حال انجام بود که پس از روی کار آمدن محمود احمدی نژاد در سال ۸۴ ادامه آن کنار گذاشته شد.

شهیندخت مولاوردی، معاون امور زنان دولت اول حسن روحانی در همین زمینه آذر ماه ۹۳ با اعلام گم شدن ۳۲ جلد کتاب مربوط به نتیجه این پژوهش گفته بود نه تنها ادامه آن پس از پایان ریاست جمهوری خاتمی متوقف شده بود بلکه کلیه نتایج مربوط به پژوهش نیز گمشده و هیچ نسخه ای از آن نه در معاونت زنان ریاست جمهوری موجود است و نه در وزارت کشور.

گم شدن نتایج تحقیقی این چینی در دولت محمود احمدی نژاد به علاوه تغییر نام «دفتر امور مشارکت زنان» ریاست جمهوری به «معاونت امور زنان و خانواده» خود نشانگر تغییر نوع نگاه دولت به مسائل مربوط به زنان و تمرکز بر پررنگ کردن نقش آنها در خانواده به جای اجتماع بود.

در عین حال و با تصریح ماده ۲۳۰ قانون پنجم توسعه کشور مبنی بر پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و بازنگری قوانین و مقررات در حوزه مربوط به زنان در زمره ی تکالیف معاونت امور زنان و خانواده، تلاش‌هایی برای تهیه پیش نویس این قانون در دو سال پایانی محمود احمدی نژاد انجام شد و در نتیجه آن لایحه ای ۸۱ ماده ای موسوم به «لایحه تامین زنان بر علیه خشونت» نوشته شده که البته با ایراداتی که از سوی کمیسیون لوایح مجلس به آن گرفته شد سرانجامی نداشته و عملاً راه به جایی نبرد.

پس از روی کار آمدن حسن روحانی در سال ۹۲ تلاش‌ها برای به مقصود رساندن این لایحه مجدداً از سر گرفته شده و شهیندخت مولاوردی آذر ماه ۹۳ خبر از عزم دولت در تدوین کامل لایحه در کمیسیون لوایح دولت و فرستادن آن به مجلس شورای اسلامی داده بود. اقدامی که تاکنون و پس از گذشته سه سال هنوز عملی نشده است. از سوی دیگر به دلیل عدم هماهنگی بین نهادها و ارگان های مختلف دولتی در سال ۹۴ طرحی از سوی وزارت دادگستری ایران مبنی بر تشکیل یک شورای هماهنگی و پیشگیری از خشونت علیه زنان تهیه و پیشنهاد شد که البته اقدامی عملی در راستای آن صورت نگرفت. در همین زمینه گفته شد که وزارت بهداشت و درمان نیز طرحی را به نام سند ملی پیشگیری از خشونت تهیه کرده که آن هم نتیجه ای در بر نداشته و از اجرایی شدن آن خبری منتشر نشد.

شهیندخت مولاوردی همچنین دی ماه سال گذشته و در ماه‌های پایانی دولت یازدهم با اشاره به سرنوشت لایحه تامین امنیت زنان ضمن اعلام پایان بررسی های صورت گرفته در مورد آن گفته بود بر اساس کارشناسی های انجام شده با همکاری سازمان مدیریت و برنامه ریزی و علی رغم توافق با قوه قضاییه مبنی بر ادغام این قانون با سند امنیت اجتماعی زنان و کودکان، نتیجه این شد که امکان ادغام این دو قانون وجود نداشته و بنابر این مجدداً قرار شد که این لایحه به صورت جداگانه تصویب شود.

با این حال و با وجود گذشت شش سال از آغاز تلاش ها برای تصویب قانونی در زمینه حمایت از زنان علیه خشونت هنوز

تاکید بر ممنوعیت ازدواج دختران زیر ۱۳ سال نیز یکی دیگر از علل عمده مخالفت نهاد مذهب با این لایحه عنوان شده است. طیبیه سیاوشی، نماینده مجلس در ایران مرداد ماه امسال در هیمن زمینه با انتقاد از توقف طولانی مدت این لایحه خبر از مخالفت‌ها با افزایش سن ازدواج در این قانون داده بود. او گفته بود که تنها آیت الله مکارم شیرازی در نقد ازدواج کودکان همکاری کرده و حکم به حریمت قانونی آن داده است. این در حالی است که به گفته این نماینده مجلس نیاز به فتواهای بیشتری در این زمینه از سوی مراجع تقلید وجود دارد. در مقابل اما مینو اصلانی، رییس بسیج بانوان ممنوع کردن ازدواج دختران زیر ۱۳ سال مخالف با آموزه های دینی و در تضاد با فطرت انسانی بوده و تنها رسیدن به بلوغ شرعی برای ازدواج دختران کافی است.

### لایحه تامین امنیت زنان؛ در انتظار تایید قوه قضاییه

با وجود تمامی ایرادات و مخالفت‌ها با لایحه تامین امنیت زنان در برابر خشونت این قانون در حال حاضر برای تایید به قوه قضاییه فرستاده شده تا پس از موافقت، توسط هیات دولت تصویب و به مجلس شورای اسلامی ارایه شود.

معصومه ابتکار، معاون امور زنان و خانواده ریاست جمهوری مهر ماه امسال در این زمینه با اعلام اینکه این لایحه در حال حاضر در پیچ قوه قضاییه به سر می‌برد، خبر از جدیت دولت در پیگیری آن داده و اظهار امیدواری کرده بود که این لایحه هرچه زودتر تایید شده و برای تصویب نهایی به مجلس ارایه شود. به گفته ابتکار، راه اندازی کمیته تامین امنیت زنان، خط تلفنی بحران و ایجاد صندوق حمایت از زنان بزه دیده، تشکیل دادگاه‌های اختصاصی برای مجازات مرتکبان خشونت علیه زنان و استفاده از قاضی مشاور زن در این پرونده‌ها از جمله مواد این لایحه است. همچنین گفته شده ایجاد هماهنگی بین نهادها و دستگاه‌های مختلف در زمینه مبارزه با خشونت علیه زنان، گسترش خانه‌های امن برای اسکان زنان آسیب دیده از خشونت، ارایه مشاوره‌های تخصصی متناسب با وضعیت و توانمندی زنان آسیب دیده و ایجاد شعبه‌های ویژه برای رسیدگی به خشونت خانگی از دیگر نکات مثبت این قانون خواهد بود.

در عین حال، باتوجه به سابقه مخالفت‌ها از سوی نهادهای پر قدرتی مانند دستگاه قضایی و نهادهای مذهبی در ایران با این قانون علی رغم تلاش‌های دولت به نظر نمی‌رسد که آینده روشنی در انتظار لایحه تامین امنیت زنان در برابر خشونت باشد.



لایحه است. چرا که به اعتقاد اینان این قانون عملا در تقابل با آموزه‌های دینی و اسلامی بوده و هدف از آن زدودن نفوذ اسلام و قوانین اسلامی و مخالفت با دین است.

در همین زمینه فاطمه آلیا، نماینده وقت مجلس شورای اسلامی در سال ۹۳ با اعلام اینکه خشونت در ایران بر خلاف غرب موردی است گفته بود اسلام حتی گفت و گوی خشن با خانم‌ها را خشونت می‌داند در حالی که در غرب این شاخص نیست. اما به جای آن اسلام عدم خروج خانم‌ها از منزل بدون رضایت همسر را خشونت نمی‌داند، در حالی که غرب این مساله را خشونت علیه زنان تلقی می‌کند. این نماینده اصولگرای مجلس همچنین با بیان اینکه در ایران در این زمینه خلاء قانونی وجود ندارد، گفته بود باید دید معنی خشونت مورد نظر این لایحه چیست.

شهیندخت مولاوردی، معاون امور زنان و خانواده رییس جمهوری نیز مرداد ماه امسال گفته بود که یکی از علل اصلی مخالفت‌ها با این لایحه این تصور است که هدف از آن فراهم کردن شرایط برای الحاق ایران به کنوانسیون جهانی منع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان است. ایران به دلیل آنچه که مخالفت اساسی این کنوانسیون با قوانین شرعی اسلام گفته شده آن را نپذیرفته است.

مدرس تهران نیز چندی پیش با انتقاد از جرم انگاری فراوان این لایحه گفته بود که در این قانون به ساز و کارهای فرهنگی و اجتماعی جامعه توجه نشده و در عمل بسیاری از این خشونت‌ها به دلیل شرایط اجتماعی و مجموعه ای از زیر ساخت‌های اجتماعی و اقتصادی روی می‌دهند.

از دیگر موارد حقوقی محل اختلاف این قانون دایره شمول آن است. در این زمینه گفته شده که شمول این قانون باید تنها به زنان متاهل بالای ۱۸ سال محدود بوده و دیگر زنان و دختران را دربرنگیرد. چرا که در عمل دختران زیر ۱۸ سال مشمول قانون مربوط به کودکان هستند. از سوی دیگر با توجه به اینکه ازدواج کودکان در ایران هنوز معضلی حل نشده بوده و همچنان نیز در حال انجام است به اعتقاد برخی دیگر این قانون باید شامل حال دختران بالای ۱۳ سال متاهل نیز باشد. با این وجود به گفته علی کاظمی قاضی دادگستری و مسئول تیم کارشناسی لایحه تامین امنیت زنان قرار بر این شده که این قانون شامل تمامی زنان بالای ۱۸ سال بوده و در برخی موارد و بر اساس تصریح متن قانون به افراد دارای سن پایین‌تر نیز تسری یابد.

جدای از ایرادات حقوقی قوه قضاییه به این لایحه، مخالفت‌های نهاد مذهب نیز یکی از علل اصلی به سرانجام نرسیدن این

قبح اجتماعی و میزان سرزنش عمومی در مقابل فعل و یا ترک آن، است. در صورتی که فعل یا ترک فعلی، فاقد این دو جنبه باشد جرم‌انگاری آن بیهوده به نظر می‌رسد و به طور قطع پس از مدتی قانون مربوط متروکه می‌شود.

خداییان همچنین با انتقاد از عدم روشن بودن برخی مفاهیم در متن این لایحه گفته بود معنی مفاهیمی مانند توهین، خشونت، تحت نظر گرفتن، و کنترل نامتعارف و مکرر و نیز مناقشات مکرر در این قانون مشخص نبوده و از سوی دیگر ممکن است بحث امنیت اعضا خانواده و حفظ و صیانت از آن را به چالش کشاند.

این ادعای معاون دستگاه قضایی ایران در حالی است که اساسا قوانین کیفری اسلام و متعاقبا جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر مجازات بوده و شالوده اصلی آنها را بحث تنبیه و مجازات تشکیل می‌دهد. از طرف دیگر اگرچه استدلال عدم روشن بودن مصادیق مفاهیم گفته شده درست به نظر می‌رسد اما اشاره به مبحث امنیت اعضا خانواده و حفظ و صیانت از آن نشان می دهد که در عمل از نظر دستگاه قضایی ایران دست کم برخی از انواع خشونت های مشمول در این لایحه عملی مجاز، مشروع و طبیعی بوده که نباید به چالش کشیده شوند. در عین حال، محمد فرجی‌ها، استاد حقوق دانشگاه تربیت

## خشونت اقتصادی

## نسبت به زنان، معضل

## فرهنگی یا قانونی؟



کامبیز غفوری

به طور عمده در بیشتر اوقاتی که معضل خشونت علیه به طور عمده در بیشتر اوقاتی که معضل خشونت علیه زنان مورد بررسی قرار می‌گیرد، تمرکز اصلی به مسائلی همچون خشونت فیزیکی، جنسی و اعمال محدودیت‌های اجتماعی، محدود می‌شود. لیکن یکی از ابعاد مهم خشونت علیه زنان که گاه مغفول می‌ماند، خشونت اقتصادی است که آثار عمیق و بنیادینی بر زندگی زنان می‌گذارد.

### خشونت اقتصادی چه مفهومی دارد؟

خشونت اقتصادی تنها به معنای سلطه بر درآمد زن یا وادار کردن او به انجام کارهایی مغایر با خواست او در ازای تأمین مایحتاج زندگی نیست. فاول اولوفون‌میلاو، استاد اپیدمیولوژی و آمار پزشکی دانشگاه ایبادان در نیجریه، معتقد است که خشونت اقتصادی در هر زمانی انجام می‌شود که یک فرد، امور مربوط به دخل و خرج زندگی یک فرد عاقل و بالغ دیگر را تحت کنترل خود بگیرد. برای مثال، در مورد یک زوج که با هم زندگی می‌کنند، اگر یک مرد به دلیل جنسیتش، با بهانه‌هایی همچون «پدر خانواده/سرپرست خانواده بودن» درآمدها و هزینه‌های خانواده را بدون مشارکت موثر زن تحت کنترل قرار دهد و رأساً تصمیم‌هایی مانند چگونگی خرج کردن، سرمایه‌گذاری یا پس‌انداز بگیرد، در واقع زن را از لحاظ اقتصادی تحت انقیاد خود قرار داده و او را از نظر مالی وابسته به خود یا تصمیم‌های خود کرده

خانوادگی یا حیثیت خود یا زن باشد منع کند. زن نیز می‌تواند از دادگاه چنین تقاضایی را بنماید. دادگاه در صورتی که اختلالی در امر معیشت خانواده ایجاد نشود، مرد را از اشتغال به شغل مذکور منع می‌کند.» این قانون که در زمان پهلوی تصویب شده است، نسبت به ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی که فقط به شوهر اجازه منع همسرش از کار می‌داد، کمتر تبعیض آمیز است. با این حال بر اساس این قانون زن فقط در صورتی می‌تواند همسرش را از کار منع کند که اختلالی در معیشت خانواده به وجود نیاید، ولی در مورد منع زن توسط شوهرش چنین محدودیتی وجود ندارد. بر این اساس یک مرد می‌تواند بر اساس برداشتش از «مصلح خانوادگی» یا «حیثیت»، همسرش را از کار کردن ممنوع کند.»

صادق‌زاده میلانی عدم وجود قضاات زن را نیز در امر صدور رأی‌های مربوطه دخیل می‌داند. او می‌گوید:

«توجه داشته باشید که دادگاه خانواده محل رسیدگی به چنین شکایت‌هایی است. در دادگاه‌های خانواده نیز مثل دیگر دادگاه‌های جمهوری اسلامی، قضاتی که رأی را صادر می‌کنند مرد هستند. البته دادگاه‌های خانواده باید قاضی مشاور زن هم داشته باشند. اما اولاً هنوز در بسیاری از دادگاه‌های خانواده قضاات مشاور زن مشغول به کار نشده‌اند. ثانیاً در هر صورت قضاات مشاور زن حکم نهائی را صادر نمی‌کنند.»

این حقوق‌دان معتقد است که برای تغییر این وضعیت، قوانین تبعیض آمیز باید لغو شوند؛ اما در عین حال تأکید می‌کند: «البته تغییر قانون به تنهایی به معنی ایجاد برابری اقتصادی نخواهد بود و در کشورهای توسعه یافته نیز هنوز راه زیادی تا برابری کامل باقی است. تغییر فرهنگی هم در هر صورت ضروری است، البته باید توجه داشت که نیاز به تغییر فرهنگی نباید تبدیل به بهانه‌ای برای فراموش کردن و به تعویق انداختن تغییرات قانونی باشد.»

### پانویس:

در تنظیم این یادداشت، از مرجع زیر برای تعریف خشونت اقتصادی استفاده شده است:

Olufunmilayo, Fawole. Economic Violence To Women and Girls. University of Ibadan and University College Hospital, Ibadan. August 2008.



### تبعیض جنسیتی در ایران، فرهنگ یا قانون؟

ریشه تنومند تبعیض جنسیتی در ایران، شاخه‌هایی چون فرهنگ، آموزش، دین و قانون دارد. تمام این عوامل دست به دست هم داده‌اند تا علی‌رغم روشن‌تر شدن اذهان عمومی ایرانیان نسبت به تبعیض‌های جنسیتی، مانعی جدی پیشروی حرکت به سوی رفع تبعیض ایجاد کنند. برای ایجاد تبعیض، همواره موادی قانونی یا احکامی شرعی وجود دارند.

شاهین صادق‌زاده میلانی، حقوق‌دان و فعال مدافع حقوق بشر، در این باره به «حقوق ما» گفته است: «در مورد این‌که تبعیض اقتصادی علیه زنان در جمهوری اسلامی نهادینه شده است، شکی نیست. نابرابری در مورد ارث و دیه دو مورد آشکار تبعیض علیه زنان است. فراموش نکنید که بر اساس اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی کلی قوانین کشور باید مطابق قوانین شرعی باشد. به عبارت دیگر هر تبعیضی که در شرع علیه زنان اعمال شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی هم نهادینه شده است.»

با این حال، او معتقد است که استفاده از عبارت «خشونت» در مورد تبعیض اقتصادی، چندان مناسب نیست و باید در مورد کاربرد واژه‌ها دقت شود.

صادق‌زاده میلانی ادامه می‌دهد: «اما غیر از این موارد، می‌توان به ماده ۱۸ قانون حمایت از خانواده، مصوب ۱۳۵۳ نیز اشاره کرد. این ماده می‌گوید «شوهر می‌تواند با تأیید دادگاه زن خود را از اشتغال به هر شغلی که منافی مصالح

# حقایقی درباره خشونت علیه زنان

\* در مجموع ۳۵ درصد زنان خشونت را به شکلی تجربه کرده‌اند. در برخی مناطق جهان این رقم به ۷۰ درصد می‌رسد.

\* زنان فارغ از رنگ پوست و تحصیلات، مورد خشونت قرار می‌گیرند، هرچند ممکن است نوع خشونتی که هر زنی تجربه می‌کند با دیگری تفاوت داشته باشد، اما حتی تعلق داشتن به طبقه بالای اجتماعی زنان را از خشونت دور نگه نمی‌دارد. گرایش جنسی زنان، معلولیت یا تعلق آنها به اقلیت‌های قومی و مذهبی آنها را در معرض خشونت بیشتر قرار می‌دهد.

\* ۲۳ درصد زنان دگرباش گزارش کرده‌اند که از سوی شریک مرد یا زن خود مورد خشونت قرار گرفته‌اند.

\* ۳۴ درصد زنانی که دچار مشکلاتی در سلامت خود بوده‌اند از تجربه خشونت نسبت به خود خبر داده‌اند.

\* در بیشتر موارد، خشونت نسبت به زنان از سوی نزدیک‌ترین افراد خانواده اتفاق می‌افتد.

\* کمتر از ۴۰ درصد زنانی که مورد خشونت قرار می‌گیرند، آن را گزارش می‌کنند. اغلب زنان این موضوع را تنها با دوستان و خانواده خود در میان می‌گذارند و تنها ۱۰ درصد این گزارش‌ها به پلیس می‌رسد.

\* زنانی که خشونت را تجربه کرده‌اند دو برابر زنان دیگر با احتمال سقط جنین و افسردگی مواجه هستند.

\* ۴۳ درصد زنان در ۲۸ کشور اروپایی خشونت را تجربه کرده‌اند.

\* بر اساس برخی پژوهش‌ها، آمار تجربه خشونت و آزار جنسی در فضاهای عمومی ۹۲ درصد است.

\* بیش از ۷۰۰ میلیون زن زنده در جهان وجود دارند که در کودکی ازدواج کرده‌اند.

\* ۱۲۰ میلیون دختر، معادل یک نفر از هر ۱۰ نفر، مجبور به سکس شده‌اند یا به شیوه‌های دیگری از اعمال جنسی، تن داده‌اند.

\* حدود ۱۳۳ میلیون دختر در جهان ختنه شده‌اند. ختنه عامل انتقال بسیاری از بیماری‌ها مانند ایدز و دلیل بسیاری عفونت‌ها و به معنای مثله شدن اندام جنسی است.

\* زنان نیمی از قربانیان قاچاق انسان در جهانند. اگر آمار قاچاق دخترچه‌ها را هم به آن بیفزاییم این رقم به ۷۰ درصد می‌رسد. از هر سه کودک قربانی قاچاق، دو کودک دختر هستند.

\* در اتحادیه اروپا یک زن از میان هر ۱۰ زن، از ۱۵ سالگی تجربه خشونت سایبری را داشته است. این آزارها شامل دریافت ایمیل‌های ناخواسته با مضامین سکسی، پیام‌های مزاحم و ... است.

\* دست‌کم ۱۱۹ کشور جهان قانونی ضد خشونت خانگی به تصویب رسانده‌اند. ۱۲۵ کشور درباره آزار جنسی قانون دارند و ۵۲ کشور درباره تجاوز زناشویی قانون تصویب کرده‌اند. با وجود این حتی اگر قانون وجود داشته باشد، به معنای حفاظت زنان در برابر خشونت بر مبنای استانداردهای جهانی نیست.

تماس با مجله: [mail@iranhr.net](mailto:mail@iranhr.net)

